



انتقاد جهانگیری از تصویب قوانین پشت درهای بسته

چرا مجلس تنها نهاد قانون گذاری در ایران نیست؟

گروه سیاست: «نمی توان پشت درهای بسته قانون تصویب و برای مردم تصمیم گیری کرد»؛ این جمله بخشی از سخنان معاون اول رئیس جمهور است که از وجود نهادهای قانون گذاری متعدد کله مند است. جهانگیری از تعدد نهادهای...

صفحه ۲

سه شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۹ - ۱۸ صفر ۱۴۴۲ - ۱۶ اکتبر ۲۰۲۰

تنها

پاسخ خاتمی به احتمال حضورش در ۱۴۰۰

صفحه ۴

با بازگشت «محمود» بی خیال وزیر می شوند؟

صفحه ۱۱

تأمین مسکن برای نزدیکان

صفحه ۵

افزایش حمایت بیمه ای از روستاییان و عشایر

علی شیرکانی

صفحه ۲



روابط تهران و مسکود گفت وگو با الهه کولایی

نظام بین الملل «سیاه و سفید» ندارد

صفحه ۶

حرف اول

روستاییان و عشایر حق زندگی دارند

سیدابوالفضل رضوی

پانزدهم مهر، روز روستا و عشایر است که اهداف زیر برای نام گذاری آن در تقویم مدنظر بوده است:



الف) گرامیداشت مجاهدتهای سربازان بدون ادعای جبهه تولید و عزت (ب) توجه و تمرکز تصمیم سازان و تصمیم گیران سیاست های اقتصادی و برنامه ریزان کشور به بخش عمده ای از مردم کشور (ج) بازنگری در نتایج سیاست های اتخاذشده درباره توسعه روستایی و عشایری (د) برنامه ریزی های لازم اقدامی برای تقویت بنیان های اقتصاد حیاتی کشور که مجاهدانش روستاییان و عشایر هستند

در چهار دهه گذشته، اقدامات زیادی از سوی جمهوری اسلامی در روستاها انجام شده که هزینه های فراوانی هم در بر داشته است. پرسش این است که آیا نتایج مطلوب از این اقدامات حاصل شده است؟ پاسخ مثبت نیست و وضعیت فعلی نشان دهنده مطلوب نبودن نتایج است. چرایی این موضوع در یک کلام به نظام برنامه ریزی و سیاست های کلان و خرد اقتصادی کشور مرتبط است و آن هم به دلیل این است که سیاست های اقتصادی و نظام برنامه ریزی، علمی و بر پایه عدالت نبوده و متأسفانه هنوز هم درباره نگاه به روستاها و اهمیت توسعه آن، در روی همان پاشنه گذشته می چرخد. تصمیم سازان و تصمیم گیران یا از این نقص بی اطلاع هستند یا غافل و بی توجه. همچنان وضع نامطلوب تبعیض در سیاست های توسعه ای کشور بین نقاط کوچک و بزرگ، روستا و شهر، دور و نزدیک و... بر وضعیت کلان کشور سایه افکنده است و حتی برخی روستاییان و عشایر از امکانات اولیه مانند مسکن، درآمد، ابزارهای رفاه اجتماعی، امکانات فرهنگی و آموزشی کمربه راندن و از این کاستی ها رنج می برند. انتظار است مقامات مسئول حداقل در همین روز برای گشایش گروه های اقتصاد، اشتغال، افزایش درآمد، مسکن و رفاه اجتماعی این تلاشگران و مجاهدان غیرشهری که اثر بوسه پیامبر اعظم بر کف دستان پینه بسته شان هست، هم پیمان شوند. ان شاء الله به املاک روستاییان و عشایر نیز مانند شهرنشینان سند رسمی داده شود. تا از نعمت ارزش افزوده سند بی بهره نمانند.

ادامه در صفحه ۴



روزنامه

چرا باز هم موتور تخریب اصولگرایان علیه اصلاح طلبان شروع به کار کرده است؟

کلیدواژه «اغتشاش» علیه اصلاح طلبان

صفحه ۲



شرق
بررسی کارنامه
دولت های انقلاب

بررسی کارنامه دولت اول جنگ دولت سوم، آغاز منازعه چپ و راست

صفحه ۴

یادداشت

چرا ایرانی ها شکست ترامپ را باور ندارند؟

سامان صفرزانی

پیش از ارائه یک تحلیل آماری و علمی، ضرورت جدی وجود دارد که این پرسش مطرح شود: ریشه روانی «نامیرایی» و «شکست ناپذیری» ترامپ در ذهن جامعه ایران از کجا می آید؟ چرا نمی خواهیم به شکست ترامپ «امیدوار» باشیم و امید خود را بازگو کنیم؟

اختلال استرس پساترامپ

چهار سال قبل «واقعه ترامپ» به راستی رخ داد. کاندیدایی که فاصله اش با هیلاری کلینتون، نامزد حزب دموکرات، در ۹ اگوست ۲۰۱۶، ۷۰۴ درصد بوده است، هشتم نوامبر در روز انتخابات، این فاصله را به ۲۰۳ کاهش می دهد و در نهایت به دومین کاندیدا در ۱۳۰ سال اخیر بدل می شود که بدون برخورداری از اکثریت آرای مردمی، به دلیل کسب اکثریت آرای الکترال وارد کاخ سفید می شود. جامعه آمریکا پس از انتخابات ۲۰۱۶ از وضعیت «شکست خورده انتخاباتی» که از منظر سیاسی کماکان نرمال بود، وارد وضعیت -نسبتا دائمی- «قربانی تحت آزار» (Abused) شد. آمریکا در سال ۲۰۱۶ با آن چیزی مواجه شد که از آن تحت عنوان «اختلال اضطراب پس از سانحه» (PTSD) یا با ترجمه دقیق تر «اختلال استرس پساتروما (زخم روحی)» نام برده می شود. به این معنی که شهروندان در آمریکا با این سانحه یا زخم مواجه شدند که شیوه مشارکتشان در انتخابات، به پیروزی مردی با سوابق هولناک (زن سستیزی، فساد جنسی، نفرت پرانی، نژادپرستی و فساد اقتصادی قابل توجه) منجر شده است. فاعل سیاسی به دلیل تشعشعات شدید سانحه تحت تأثیر عصبی و اضطرابی تجربه شده قرار گرفته و از آن پس در معرض این تهدید قرار می گیرد که از منظر شناختی و تحلیلی دچار صدمه جدی می شود، یعنی «استثنا» (سانحه بد-تروما) برای او به «قاعده» تبدیل می شود و تصور می کند «وال» بر مبنای استثناها پیش خواهد رفت.

مواجهه قربانی با آزارگر

ترجمه بخشی از مصاحبه ای که به تازگی دکتر ست نورهولم، عصب شناس و یکی از پیشروترین متخصصان اختلال استرس پساتروما و «هراس» در جهان با مجله «سالن» انجام داد، برای روشن ترشدن ماجرا کمک کننده است: مجله سالن: چرخه ای از فراز و نشیب، بالا و پایین، امید و یأس در عصر ترامپ وجود دارد، زمانی که به نظر می آید او متوقف شده است، مجدداً جان سالم به در می برد و قدرتمندتر می شود.

این ترن هوایی عاطفی (اشاره به قطارهای غلتان شهریارها) چه تأثیری بر مردم آمریکا داشته است؟ دکتر نورهولم: این ماجرا با مدل ارتباط آزارگرانه Relationship Abusive تطبیق دارد. اگر ارتباط آزارگرانه را مدنظر قرار دهیم، قربانی ها اغلب به خود می گویند: «فردا اوضاع بهتر می شود، چراکه فردا خانواده ام می آیند»، یا اینکه در اداره پلیس فرم ادعای آزار را پر کرده اند و قدم هایی برداشته اند تا شرایط آزارگرانه تغییر کند؛ اما اگر آن گام ها برای پایان آزار عمل نکند چه؟ این چرخه تأثیر منفی ترکیبی و جمع شونده دارد. مردم آمریکا از نظر روان شناختی مورد آزار دونالد ترامپ قرار گرفته اند. تمام آن گزارش ها در ارتباط با بزه کاری ها و از زمان رسوایی روسیه به بعد را در نظر بگیرید، ماجرایی افشاگر (شستود ماکالمه ترامپ با رئیس جمهور اوکراین)، تمام آن حجم مدارک، مردم آمریکا، به مثابه قربانی تحت آزار می گویند: «اوکی، قدری امید دارم، مقامات (قضائی) این مسئله را دنبال خواهند کرد، بعد می بیند ویلیام بار را می خردن و گزارش مولر هم رقیق و آبکی و نادرست ارائه می شود و هیچ چیز به معنای عقوبت رخ نمی دهد. مردم آمریکا که قربانی آزادیده هستند می گویند: «اوکی، این نشد». بعد دوره سوگ، دلمردگی و غم است. بعد از آن مردم آمریکا می گویند: «اوکی، قدم بعدی که می توانم بردارم چیست؟». بعد می بینند که ترامپ استیضاح است. حالا جمع بندی این می شود: «اوکی، این قرار است آن مکانیسمی باشد که می توانم از طریق آن ارتباط آزارگرانه را پایان دهم». حالا وارد آن روند (استیضاح در) دسامبر و ژانویه می شویم. صفی از شاهدان و کل این اطلاعات لغتی وجود دارد. به نظر می رسد کار ترامپ تمام است، اما دوباره ترامپ از همه اینها قشر در می رود. خوی جنگ طلبی ترامپ و یادآوری ما مبنی بر اینکه او به تسلیحات هسته ای دسترسی دارد شبیه آن است که آزارگر به شریک عاطفی خود می گویند: «یادت باشد، من با هفت تیر خود می خواهم». بنابراین حرفم این است که ما به عنوان متخصصان سلامت روان منتظر بودیم که بیماری روحی در عصر ترامپ تشدید شود، حالا هم که با یک بیماری همه گیر کنترل نشده که ۲۰۰ هزار نفر را کشته و زندگی میلیون ها تن را به خطر انداخته، همراه شده است. مردم آمریکا، به مثابه قربانیان آزار ترامپ، اینک می گویند: «لعنت، این هم نمونه ای دیگر از اینکه هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد».

گفت وگویی «شرق» با قائم مقام وزیر بهداشت

ماسک اجباری از در منزل

گروه جامعه: سه روز از تعطیلی تقریبی تهران می گذرد. قرار بود پروتکل هایی اجرا شود و مراکز تعطیل شوند و کارمندهایی که می توانند، با دورکاری کار را پیش ببرند. کار و فعالیت برخی مشاغل هم تنها یک هفته تعطیل یا محدود شد، اما اینها...

صفحه ۹

سال هجدهم • شماره ۳۸۳۵ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

رفتار ضد توسعه در جامعه متکثر ایران

حمزه نوذری، استاد دانشگاه خوارزمی



راهبردها و برنامه های توسعه در ایران یک نقطه ضعف بزرگ داشتند و آن هم به رسمیت نشناختن ویژگی تنوع و تکثر در جامعه ایران است. زمانی که خصلت متکثر جامعه ایران نادیده انگاشته می شود و مشروعیت گروه ها و بدیل های مختلف دست یابی به توسعه در دسترس نباشد، جدال بر سر معنا و استراتژی های توسعه خصومت آمیز و بر مبنای دوست/دشمنی خواهد بود. هرگونه نظم و استراتژی کلان نگر در جامعه متکثر ایران، شکست خورده است. به همین دلیل باید نسبت به ستایش هرگونه استراتژی کلان نگر هوشیار بود چراکه تکثرها را به رسمیت نمی شناسد و آنها را به حاشیه می راند. اینکه یک برداشت از توسعه و استراتژی واحد و فراگیر می تواند جامعه را سامان دهد، توهمی بیش نیست. در فضای متکثری مانند ایران، جامعه نیازمند مباحثه درباره معنای توسعه و استراتژی های ممکن است نه یک استراتژی واحد. پس همیشه درباره معنای توسعه و چگونگی اجرایی کردن توسعه اختلاف خواهد بود، اما انتخاب یک شیوه برای کل جامعه متکثر نادرست است. ایجاد توسعه ای یکپارچه و سامان دهی کل جامعه بر اساس استراتژی واحد و فراگیر به این دلیل محال است که اجرای هر استراتژی واحدی در کل جامعه بر پایه طرد کنش ها و بدیل های دیگر استوار شده است. این استراتژی واحد و فراگیر مدتی کوتاه هرزومیک می شود، اما در نهایت توسط همان ها که طرد شده اند، به زیر کشیده می شود. استراتژی های توسعه پس از انقلاب دچار همین کاستی بوده اند. امری که با روح تکثر و چندگانگی جامعه ایران منافات دارد. بنابراین هرگونه استراتژی توسعه ای که یکپارچه سازی را دنبال می کند، در جامعه ایران ره به جایی نمی برد. استراتژی های توسعه ای در ایران بعد از انقلاب، کثرت را ر پنهان کرده اند. هیچ مبنای مشترکی در توسعه وجود ندارد که به یاری آن بتوان به تعارض ایده های توسعه خاتمه داد. گفتمان های توسعه متعددی و در جامعه متکثر و چندگانه، گفتمان ها باقی می ماندند. این تکثر و تخصص گفتمان ها مطلوب اند، چراکه چندگانگی و تکثر امری مطلوب و مانع تقلیل گرایی است، اما تخصص ها زمانی که در قالب دوقطبی خوب و بد تعریف شود، برای جامعه مضر خواهد بود. باید نسبت به اجرای یک استراتژی همه گیر برای کسب یک هدف خاص، بدین بسود و به جای آن بر استراتژی های متنوع و خرد برای جامعه متکثر ایران تأکید کرد. چندصدایی کردن جامعه در قلمرو توسعه و اجازة ظهور ایده ها و استراتژی های گوناگون توسعه ای به صورت هم زمان که افراد و گروه ها بتوانند از میان آنها دست به انتخاب بزنند، مطلوب و پسندیده است. بر این اساس، قدرت در حوزه توسعه پراکنده می شود و استراتژی های توسعه ای موازی شکل می گیرند که هر کدام چارچوب ها، ایده ها و دامیه های خاص خود را دارند و در جریان توسعه ایفاي نقش می کنند.

با این موضوع هم داستان نیست که برای اثرگذار و نتیجه بخش بودن یک استراتژی باید همه با آن موافق باشند و فراگیری به آن داد تا بدون هیچ مخالفتی در جامعه هرزومیک شود، زیرا چنین امری در نهایت به طرد سایر بدیل ها می انجامد. در قلمرو توسعه کمال نمی توان تمام قدرت را به اجرای استراتژی واحدی داد. اما می توان مسئله تنظیم کشمکش ها را میان استراتژی های گوناگون در جامعه پیش گرفت. همان گونه که لاکلا و موفه بیان می کنند خصلت آنتاگونیسمی را باید به خصلت آگونیسمی تبدیل کرد. به عبارتی از تخصص بر مبنای خیر/شر به تخصص بر مبنای مخالف رسید. به رسمیت شناختن استراتژی های مختلف در جامعه ای چندگون، احترام به ابعاد آزادی خواهانه و برابری طلبانه است. در جامعه متکثر ایران، هر تلاشی برای تعریف انحصاری از توسعه و استراتژی تمامیت گرا، بی معنا می شود، چراکه غیرهائی وجود دارند که از چنین انحصاری جلوگیری می کنند. بنابراین همواره باید معنای جدیدی از توسعه را به وجود آورد و پرسش های تازه ای در قلمرو توسعه در دستور کار قرار داد. بنابراین توسعه به یک مدل دل و مصداق خاص تعلق نمی گیرد. می توان به شکل پیوسته موضوعات جدیدی در خصوص توسعه به بحث گذاشت، به نحوی که توسعه به روی تخصص های معنایی و دستورالعمل های اجرایی باز باشد که همه گروه ها بتوانند در این تخصص معنایی حضور داشته باشند.

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۴